



۲۰۱۷/۰۷/۲۶



نادرشاه سدوزی

کودتا شکست خورد

باز هم یک تعدادی به گفته جناب مسلمیار صاحب رئیس مجلس سنا، دیوانه ها با این اعمال دیوانگی خود می خواستند دوران سیاه گذشته را تکرار نموده و دست به کودتا بزنند. خوشبختانه این عمل زشت و ضد ملی شان به نتیجه مثبت نرسید، و به زود ترین فرصت افشاء شد. که البته این توطئه در نزد مردم نه تنها یک خیانت، بلکه باعث بد نامی، شرم ساری و سرافکندگی آنها گردید.

علت ناکامی این کودتا در چه بود؟

علت ناکامی کودتا در آن بود که آنها می خواستند نظام را تغییر بدهند که در واقعیت دور از امکان و تصور می باشد. برای کاوش این مطلب جالب خواهد بود تا دانسته شود که طراحان این کودتا، کی ها بودند و به چه شکل ترتیب شده بود. باید که چهره این کودتاچیان برملاء شود.

همه می دانند که سرکردگی و ابتکار این عمل ضد مردمی و ضد ملی به دست معلم عطا محمد نور والی برحال ولایت بلخ بود. وی برای رسیدن به اهداف شوم و کسب قدرت بیشتر نخست دست به اقدام کودتا درونی حزب «جمعیتی ها» زد. اولاً وی یک تعداد از ناراضی های حزب را به مثل ربانی و ضیاء مسعود به دور خود جمع کرد و ریاست حزب را غضب نمود.

گرچه می گویند که صلاح الدین ربانی این مسؤولیت را دارا می باشد ولی در حقیقت این عطا محمد نور است که قدرت ریاست حزبی را کسب نموده و آقای عبدالله عبدالله را که یکی از مسؤولین رهبری آن حزب شمرده می شود از صحنه قدرت سیاسی حزب به دور ساخت.

قابل یاد آور نیست که افراد ناراضی به مثل ضیاء مسعود نظر به بی لیاقتی در امور سیاسی و اداری که داشت از کار برطرف شد و همچنان صلاح الدین ربانی که قبلاً وظیفه وزارت خارجه را بدوش داشت از طرف نمایندگان پارلمان مورد استیضاح قرار گرفته که دوباره مستحق رأی اعتماد شناخته نشد و بدین اساس فعلاً به حیث سرپرست وزارت خارجه ایفای وظیفه می نماید. این دو فرد که دست شان از کار گرفته شد گله و شکایت خود را از حکومت وحدت ملی می دانستند، و بدین طریق آنها با پلان عطا محمد نور هم دست شده و عبدالله عبدالله را از صحنه قدرت سیاسی حزبی به دور ساختند. این طرز عملکرد در درون حزب جمعیتی ها، کاملاً درزی را ایجاد نمود که خود به خود باعث نفاق درونی حزب شد و مسؤولیت آنرا می توان گفت که تنها به دوش عطا محمد نور می باشد و بس. وی یعنی عطا محمد نور بالاخره به این اقدام هم اکتفاء نکرده، خواست که قدرت سیاسی خود را

بیشتر افزایش دهد و با کودتا تحت عنوان «ائتلاف جهت نجات افغانستان» قدرت سیاسی را در مملکت غضب نماید. بدین ترتیب وی با سایر گروه های سیاسی ناراضی در انقراض ائتلافی مجهولی را ترتیب داد.

این کودتاچیان کی هستند:

از جمله کودتاچیان یکی آنها محقق معاون ریاست اجرائیه می باشد. وی با مهارت و تزویر توانست از یک طرف با مقام معاونیت در ریاست اجرائیه ایفای وظیفه نماید و از جانب دیگر قبر رئیس اجرائیه را بکند و با رقیب سیاسی وی یعنی عطا محمد نور دست همکاری بدهد.

پس با ملاحظه این اوضاع که از اخلاص عبدالله عبدالله سوء استفاده می شود سؤالی مطرح می گردد که تا چه وقت این شخص دو رو خواهد توانست در مقام معاونیت ریاست اجرائیه ادامه دهد. ولی موضوع به همین جا خاتمه نیافته بلکه شخص دیگری که با عطا محمد نور یکجا و همکار شده جنرال رشید دوستم می باشد. وی یک دوسیه عجیب و غریب جنایی در محکمه دارد.

قصه آن از این قرار است:

وی برای اینکه یکی از زیر دستان خود را مطیع بسازد بالای وی عمل تجاوز جنسی را با لبت و کوب انجام داده که نه از طرف ملت مورد قبول می باشد و نه از طرف جامعه بین المللی.

جنرال دوستم نمی تواند که این گونه قضیه را با رنگ و اختلافات قومی حل و فصل نماید. وی باید برای دفاع از خود در محکمه ظاهر شود و مردانه وار از خود دفاع نماید. او باید بداند که در دنیای امروز و نظام های دموکراسی سیاستمداران فراوانی موجود اند که به محکمه کشانیده شده اند.

این سیاستمداران یا حکم زندان را دریافت کرده اند و یا با عزت رها شده اند. او نمی تواند به فعالیت سیاسی ادامه بدهد، بدون اینکه دوسیه جنایی اش یک حل قانونی پیدا نکند. چونکه دوسیه وی سیاسی نبوده بلکه حقوقی می باشد. قابل یادآوری است که جامعه جهانی و به خصوص ملل متحد به بررسی دوسیه وی در محکمه تأکید فراوان دارد که نادیده گرفتن خواست جامعه جهانی برای دولت نا ممکن است.

در خاتمه آنهایی که دست به ائتلاف مجهولی زدند در نهایت مقصد شان اجرای کودتا بود و آنهم برای از بین بردن نظام دموکراسی که به شکست مواجه شد. پس بناءً بهتر است که برای روشن شدن اوضاع سیاسی این گونه افراد مشکوک و قوم گرا از مقام های خویش به طوری داوطلبانه استعفی دهند تا اینکه آرامی در درون دولت حکم فرما گردد و دوباره مسأله کودتا و اغتشاش روی کار نیاید.

پایان